

### متن پرسش

سلام و عرض ادب: جناب استاد در انتخاب‌های زندگی تا چه اندازه می‌توان به مقوله «اختیار» تکیه کرد؟ دقیق‌تر بگوییم، از ایده‌ها و ابتکار عمل‌ها آیا می‌توان تکلیف ساخت؟ اگر ایده‌ای جهت اصلاح جامعه داشته باشیم که به اندازه یک عمر جان‌کندن نیاز داشته باشد، و مسیری که قرار است بپیماییم آنقدر بکر و مبهم باشد که بدون یقین و شجاعت قابل طی کردن نباشد، چگونه به این یقین برسیم که «باید» یا «بهتر است» یا «خوب است» وارد آن مسیر شویم؟ اگر مسیر آنقدر جدید باشد که در صورت پیموده‌نشدن هم، چه بسا کسی متوجه خلأ آن نشود، از کجا بدانیم بی‌گدار به آب نزده‌ایم؟ از کجا بدانیم درحالی‌که تکلیف‌های امن‌تر و بی‌دردسرتی برای تراشیدن و پرداختن وجود داشته، مسیرهای تکراری و مجرب دوستان اهل جهاد را بی‌جهت رها نکرده‌ایم؟ از یک طرف گفته اند هرکسی را بهر کاری ساختند / مهر آن را در دلش انداختند، از طرف دیگر روایت داریم فی خلاف النفس رشدها و برخی، انتخاب راهی که کمتر مورد علاقه است را مصداق آن دانسته‌اند و در سیره بزرگانی چون حاج قاسم هم این موضوع مشاهده می‌شود که راهی را پیموده‌اند که گرایش شخصی به آن نداشته‌اند. با این اوصاف، دنبال‌کردن ایده‌ها و زمین‌گذاشتن مسیرهای همه‌گیر و مرسوم جهاد، چه جایگاهی دارد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! انسان اختیار و انتخاب دارد ولی حکیمانه باید اختیار خود را مدیریت کند و از این جهت و در هر حال باید در این موارد با افراد معتمد و کاردان مشورت شود تا به قول خودتان بی‌گدار به آب نزنید. موفق باشید